

یادداشت سردیر

«تاریخ متافیزیک» از زمره عناوین و مداخل پُربسامد در میان مداخل فلسفی دوره جدید و معاصر است. تعریف، موضوع و مسائل متافیزیک (و «مابعدالطبیعه» در ترجمه عربی و فارسی آن)، از زمان خود ارسطو و در میان شاگردان و اتباع وی در ادوار مختلف - از جمله در دوران اسلامی - محل بحث و تأمل بوده و هست. همچنین در فرهنگها و دائرةالمعارفهای بزرگی همچون فرهنگنامه تاریخی مفاهیم فلسفه، نوشته یوآخیم ریتز، مدخل نسبتاً مفصلاً به «مابعدالطبیعه» اختصاص داده شده است. در آغاز دوره اسلامی، فارابی و پس از وی ابن سینا، بدرستی در تعریف و موضوع و مسائل آن تأمل کردند؛ برای نمونه، ابن سینا با نقد ارسطو، خدا (علت اولی) را نه موضوع، بلکه از زمره مسائل این دانش خواند و موضوع آن را همچنان «موجود بما هو موجود و عوارض ذاتی آن» دانست. این مطلب شاید در بدو امر ساده به نظر آید، اما حکایت از دشواریها و احتمالاً ناسازگاریهایی دارد که در سخن مشائیان وجود داشت و شیخ‌الرئیس با دقت و تفضّل خاص خود، بدان راه یافته بود. اگرچه اتباع ارسطو در قرون بعد و کسانی مانند فرفوربوس، بوئتیوس، توماس آکوئینی، سوارز و دنس اسکوتوس و در قرون اخیر، برنتانو و پس از او نیچه و هیدگر نیز به این امر توجه داشته‌اند، اما در کنار تمامی این مباحث، لازم است به موضوع دیگری که بویژه از قرن بیستم به این سو مطرح شده و سخت مورد توجه اهالی فلسفه قرار گرفته است نیز پردازیم.

امروزه عنوان «تقدیر متافیزیک» به زبان بسیاری از فیلسوفان معاصر راه یافته و از پس آن، عناوینی چون «پایان متافیزیک» نیز بنوعی در ادبیات و گفتمان امروز مستقر شده است. در اینجا پرسشی محوری قابل طرح است: آنچه درباره تقدیر



متافیزیک در سیاق تاریخ فلسفه غرب خوانده شده، آیا قابل تسری به مابعدالطبیعه در سیاق تاریخ فلسفه اسلامی هست یا خیر؟ عبارت دیگر، بفرض تصدیق آنچه که امروزه تحت عنوان «پوشیدگی حقیقت» و «غیبت وجود» در متافیزیک غربی مطرح شده است، آیا همین عناوین را میتوان به سیر و ادوار و مراحل تاریخی تفکر فلسفی در عالم اسلام سرایت داد؟ این در حالی است که حداقل در ادوار مهمی از این تاریخ، «وجود» و حضور آن در بنیان هرگونه تأمل فلسفی مورد تأکید قرار گرفته و بنا بر رأی برخی از شارحان فلسفه ابن سینا، اطلاق اصالت وجود و عناوینی چون بداهت و تشکیک در وجود نیز مورد توجه وی بوده و این چندان دور از واقعیت نیست. جا دارد اهالی فلسفه، بویژه آن دسته از فیلسوفان که در عرصه تطبیق و مقایسه میان مشارب و مسالک فلسفی تأمل میکنند، به این پرسش نیز التفات کرده و چنانچه آن را شایسته بحث و گفتگو بدانند، در محافل و مجامع فلسفی به بحث و تأمل در آن بپردازند.

سردبیر